

تعبیری از قرآن کریم درباره حضرت زهرا (سلام الله علیها) با تکیه بر سوره کوثر

محسن میر باقری^۱

چکیده

در قرآن کریم درباره مسأله امامت و ولایت آیات فراوانی اختصاص یافته است و در این زمینه درباره اهل بیت پیامبر اکرم (ص) و به طور خاص حضرت زهرا (س) مباحث زیادی آمده است البته به دلایلی در بیان این حقایق به نام امیرالمومنین و امامان معصوم و نیز حضرت فاطمه زهرا (س) تصریح نشده است. در میان مباحث مربوط به حضرت صدیقه کبری تعبیری بسیار خاص و پرمفهوم وجود دارد در این نوشتار به بیان و توضیح چند مورد از آنها پرداخته می‌شود. و خصوصاً بر تعبیر «کوثر» که صرفاً درباره آن حضرت است تأکید بیشتری می‌گردد. به جز تعبیر «کوثر» تعبیری از قبیل «مشکوة»، «عبادالله»، «التقربى» و «اهل البيت» نیز مورد توجه قرار می‌گیرند.

کلید واژه‌ها: حضرت فاطمه زهرا (س)، کوثر، اهل‌البیت، مشکوة.

مقدمه

مطالب قرآن کریم به لحاظ صراحت و اشارت متفاوت‌اند، پاره‌ای از مطالب به صراحت بیان شده و مباحثی به کنایت و اشارت و گاه در قالب تمثیل و تشبیه ارائه می‌گردد و

d.mirbagheri@gmail.com

۱- استادیار دانشگاه شهید رجایی.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۱- تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۲.

۱۱۲----- منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
این امر خود یکی از جهاتی است که درجات فهم قرآن را پدیدار می‌کند، چنان‌که در کلام نقل شده از امام حسین (ع) آمده است «کتاب الله عز وجل علی اربعه اشیاء: علی العبارة، والاشارة، و الطایف و الحقایق. فالعبارة للعوام و الاشارة للخواص و اللطایف للاولیاء، الحقیق للانبیاء» (مجلسی، ۸۹/۲۰؛ شعیری، ۴۶-۴۸)، یعنی: کتاب خدای عز و جل بر چهار امر مشتمل است: بر عبارت‌ها و اشارت‌ها و مطالب لطیف و لطافت‌ها برای اولیاء و حقیقت‌ها برای انبیاء.

از جمله مباحثی که در آن این تفاوت بیان مشهود است مباحث معرفتی است تا حدی که در اصول اعتقادی نیز چنین است؛ توضیح این‌که: در بیان اصول اعتقادی اسلام و تشیع که مشتمل بر توحید و عدل، نبوت، معاد و مسئله امامت می‌باشد دو گونه بیان دیده می‌شود.

در مسأله توحید در قرآن کریم نوع مطلب روشن و آشکار است که با نگاه اول دریافت می‌شود (عدل نیز از شاخه‌های توحید است) به گونه‌ای که احساس می‌شود در سرتاسر قرآن از توحید سخن رفته است و همه مباحث بر محور آن است مسأله معاد نیز بر همین منوال است، روشنی و فراوانی مطالب تا آن‌جا است که عام و خاص متذکر آن هستند..

درباره نبوت هم به صراحت و در حد وسیع به بیان مطالب پرداخته شده، شرح زندگی پیامبران حجم قابل توجهی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است. حال به مسأله امامت که از اصول اعتقادی اسلامی در تشیع است توجه کنیم. آیا ممکن است در اصول توحید و نبوت و معاد آن حجم وسیع از آیات قرآن کریم مشاهده شود ولی در مسأله امامت تنها آیات معدودی وجود داشته باشد در حالی که قرآن به مباحث اصلی و اصولی معرفتی توجه بسیار دارد و با تکرار و تاکید آن‌ها را تثبیت می‌کند؟

واقعیت این است که در مسأله امامت هم، آیات قرآن کریم بسیار است ولی تفاوتی در این زمینه وجود دارد و آن این‌که: بیان حقایق مربوط به امامت در پوششی خاص انجام شده است از جمله این‌که: درباره امیر المؤمنین (علیه السلام) و امامان اهل بیت (س)

تعبیری از قرآن کریم درباره حضرت زهرا (سلام الله علیها).....-----۱۱۳
و نیز حضرت زهرا (سلام الله علیها) تصریح به نام نشده هر چند به نحوی خاص در
قالب کلی و یا تشبیه و تمثیل نکات و اطلاعات فراوانی در باره آنها مطرح شده است
چنانکه بر اساس روایات آیه ۳۵ سوره نور، امامان و معصومان امت اسلامی به همین
صورت معرفی گشته‌اند (ن.ک: حویزی، ۶۰۳/۳)

همچنین بسیاری از مطالب امامت در قالب بیان کلیات آمده ولی ناظر به مورد خاص
است چنانکه در آیه ۵۵ سوره المائده درباره امیر المؤمنین (علیه السلام) عبارت
«أَمَّا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» را بیان
کرده است. (ن.ک: تفاسیر شیعه و بسیاری از مفسرین اهل سنت از جمله فخر رازی در
تفسیر کبیر ۳۸۲/۱۲)

البته در این جا حکمت‌های خاصی وجود دارد که خدای رحمان این شیوه را در بیان
مسائل امامت در کتاب خود به کار گرفته است؛ از جمله آنها می‌تواند این نکته باشد که
پس از پیامبر اکرم (ص) اهل بیت پیامبر اکرم (ص) را به‌انزوا کشاندند و روشن است که
در چنین شرایطی تصریح در به نام ائمه هدا چه مسائلی را ممکن بوده در پی داشته باشد.
منظور از این مقدمه توجه به علت صراحت نام درباره حضرت زهرا (س) و ارائه
مطالب در قالب تشبیه و کنایه و... در باره آن حضرت در قرآن کریم است.

ولی نکته مهم این است که فراوانی مطلب در باره این وجود مقدس در قرآن نشانگر
اهمیت اعتقاد به قداست و عظمت اوست. آنچه در قرآن کریم درباره حضرت صدیقه
کبری (س) آمده بر دو گونه است؛ در مواردی مساله‌ای درباره جمع اهل بیت مطرح
می‌گردد که شامل حضرت زهرا (س) هم می‌شود و در پاره‌ای موارد به صورت مستقل
درباره ایشان است.

در این نوشتار تنها به یک جهت از مباحث قرآنی در این زمینه پرداخته می‌شود و آن
تعبیری است که قرآن کریم درباره حضرت فاطمه (س) بیان فرموده است این تعبیرها
گاه خاص آن حضرت است و گاه درباره جمع اهل بیت (ع) که ایشان را هم در بر
می‌گیرد. پاره‌ای از این تعبیر چنین است:

اول- کوثر

این تعبیر در سوره کوثر خطاب به پیامبر اکرم آمده است: «انا اعطیناک الکوثر، فصل لربک و انحر، ان شانتک هو الابر» کوثر، مبالغه از کثرت است و آن را «المفرط الکثره» دانسته‌اند (زمخشری، ۸۰۶/۴) «تکوثرالشی» یعنی تا آخرین حد زیاد شد. (راغب اصفهانی، ذیل کوثر)

در آیه اول از سوره کوثر تنها به ذکر این نکته پرداخته است که خدای رحمان به رسول اکرم (ص) کثرت از چیزی را عطا کرده است اما این که منظور از این کثرت چیست در آیه اول بدان تصریح نشده و تنها از کلمه عطا استفاده می‌شود که این کثرت باید در امری خیر باشد زیرا کلمه عطا درباره شر آورده نمی‌شود. پس معنی آیه اول این است که: ما به تو خیر کثیر عطا کردیم. به خاطر همین تصریح درباره این که «خیر کثیر» چیست احتمال‌ها و نظرات متعددی بیان شده است که پاره‌ای از آن‌ها چنین است:

◆ ۱- کوثر نهری است در بهشت: این نظر از عایشه و ابن عمر نقل شده است (حویزی، ۶۸۱/۵ طبرسی، ۸۳۶/۱۰) همین نظر را ابن عباس نقل می‌کند، با این توضیح که پیامبر اکرم (ص) بر منبر بالا رفتند و سوره کوثر را بر مردم خواندند؛ وقتی از منبر به زیر آمدند از ایشان سوال کردند: یا رسول الله! این چیزی که خدا به شما عطا کرده چیست؟ فرمودند: «نهر و فی الجنة اشد بياضاً من اللبن و اشد استقامه من القدح و...» (همان و مکارم شیرازی، ۳۷۱/۲۷) یعنی: نهری است در بهشت که از شیر سفید تر است و از قدح (بلور) صافتر.

◆ ۲- نهری است در صحنة قیامت: این ضمن حدیثی از انس بن مالک آمده است که پیامبر اکرم (ص) سوره کوثر را خواندند و فرمودند: آیا می‌دانید که کوثر چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش اعلم‌اند؛ فرمودند کوثر نهری است که پروردگرم به من وعده داده است و خیر کثیر در آن است. «هو حوض ترد علیه امتی یوم القیامه...» (همان) روشن است که معنای دوم با معنای اول سازگار نیست.

◆ ۳- شفاعت: از امام صادق (ع) نقل شده است (همان؛ طبرسی، ۸۳۷/۱۰)

تعبیری از قرآن کریم درباره حضرت زهرا (سلام الله علیها).....-----۱۱۵

◆ ۴- نبوت و کتاب: این نظر را عکرمه بیان کرده است. (طبرسی، ۸۷۳/۱۰)

◆ ۵- قرآن کریم: این نظری است که از حسن نقل شده است. (همان)

◆ ۶- کثرت اصحاب و اشیاء: در این باره نظرات فراوانی از ابی بکر عیاشی نقل شده است. (همان) در این باره نظرات فراوانی نقل شده که به گفته بعضی تا بیست و شش قول رسانده‌اند. (نک: قاموس قرآن، ۶/۹۴) و فخر رازی پانزده قول در تفسیر کوثر ذکر کرده است. (مکارم شیرازی، ۲۷/۳۷۱)

◆ ۷- و نهایتاً این معنی درباره کوثر مطرح شده که: «هو کوثر النسل و الذریه و قد ظهرت الکثره فی نسله من ولد فاطمه سلام الله علیها»، یعنی: پیامبر اکرم نسل بسیار دارند و فراوانی در نسل او از فرزندان حضرت فاطمه (س) باشد.

موارد فوق عمده نظرهایی است که در باره کوثر آمده است در جمع این آراء در تفسیر مجمع‌البیان چنین آمده است: احتمال دارد که لفظ کوثر همه موارد فوق را در برمی‌گیرد بنا بر این به جاست که بر جمیع آنچه گفته شده حمل گردد. مسلماً خدای رحمان به پیامبر اکرم (ص) خیر کثیر در دنیا و آخرت عطا کرده و می‌کند و این نظرات تفضیلی هستند بر خیر فراوان در دو دنیا.

جمع این احتمال‌ها و نظرات همان گونه که در مجمع‌البیان آمده و در تفسیر نمونه نیز تایید شده است امکان پذیر است اما در این جا نباید از نکته‌ای غفلت شود و آن این‌که در آیات قرآن کریم معنایی بر گرفته از متن الفاظ وجود دارد و معانی محتمل دیگری هم می‌تواند مطرح گردد معانی مطرح شده درباره کوثر (جز آخرین معنی که در این جا ذکر شد و در ادامه بیشتر بدان خواهیم پرداخت) معانی احتمالی و یا ظنی است که از متن قرآن دلیل روشنی برای آن نمی‌یابیم و مستند آن‌ها یا رأی صحابی و تابعین و مفسران بعدی است و یا در بعضی موارد روایات است که سعی می‌شود با یک‌دیگر و با قرآن کریم جمع گردد البته ضرورت جمع آراء در صورتی است که آنچه نقل شده کاملاً مورد اعتماد باشد در حالی که در مواردی چنین نیست. زیرا در یک جا حدیث نه‌ری در بهشت از انس بن مالک نقل شده در حالی که در هنگام نزول سوره کوثر او در محضر پیامبر اکرم (ص) نبوده زیرا وی از انصار است و مدتها بعد از هجرت به

۱۱۶-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
خدمت کاری منزل رسول خدا(ص) گماشته شد ولی سوره کوثر در مکه نازل شده است و نیز ابن عباس که راوی دیگری در این زمینه است در زمان نزول سوره کوثر هنوز به دنیا نیامده بود بلکه او سه سال قبل از هجرت و پس از نزول سوره کوثر در مکه متولد شد و بعدها با پدر خود به مدینه آمد و جزء اصحاب حضرت قرار گرفت و در هنگام رحلت پیامبر اکرم (ص) کمتر از ۱۴ سال داشت.

و اما معنایی که از متن آیات سوره استفاده می شود با دقت در آیات بعدی در دومین آیه می فرماید: «فصل لربک وانحر» پس برای پروردگارت نماز بگزار و قربانی کن. بیشترین تناسب این آیه در بین همه معانی مطرح شده با همان معنای اخیر است که منظور حضرت زهرا (س) است که نسل فراوان پیامبر از اوست در این صورت «نماز» به عنوان سپاسگزاری و «نحر» به عنوان قربانی و عقیقه برای فرزند است که سنتی اسلامی است (ر.ک. طبرسی، در ذیل همین آیه)

اما آیه سوم مطلب را به وضوح روشن می سازد «ان شائک هو الابر» محققاً دشمن بدگوی تو خودش ابر و مقطوع النسل است.

شأنی به معنای دشمن کینه توز است؛ در صورتی که با درستی و بدگویی همراه باشد و «ابر» به معنای بلاعقب و کسی است که نسل او منقطع شده باشد و در اصل به حیوانی که دمش بریده شده باشد گفته می شود. (همان)

از آیه سوم نکات زیر کاملاً روشن می شود:

◆ ۱- پیامبر اکرم (ص) شأنی داشته است یعنی فردی دشمن که درباره او بدگویی می کرده است.

◆ ۲- بدگویی موجب کدورت خاطر آن بزرگواری شده و بدین خاطر خدای رحمان به دلجویی از آن حضرت می پردازد.

درباره شأن نزول آن گفته اند که چون پسران پیامبر اکرم (ص) که همگی از حضرت خدیجه بودند، از دنیا رفتند و از جمله عبدالله فرزند آن حضرت فوت نمود، درباره آن حضرت گفتند که او ابر است و چون از دنیا برود آیین اش نیز از بین خواهد رفت و از دست او آسوده خواهیم شد زیرا کسی نیست که جای او قرارگیرد و مردم را به

تعبیری از قرآن کریم درباره حضرت زهرا (سلام الله علیها).....-----۱۱۷
 سوی او بخواند (همان) گوینده این سخن عاص بن وائل سهمی بود (طباطبائی، ۲۰/۶۳۹) ولی به زودی در میان مخالفین رسول اکرم (ص) منتشر گشت و مورد سوء استفاده تبلیغاتی قرار گرفت و طبیعی است که اثر نامطلوبی در روحیه مسلمانان ایجاد کرده باشد و آنان را نسبت به آینده اسلام و خود بیمناک ساخته باشد. در این جاست که قرآن کریم به مقابله با این تبلیغات سوء پرداخته است؛ ضمن این که تفکر اعراب آن زمان را که دختران را در بقای نسل دخیل نمی دانستند، باطل اعلام فرموده است؛ آنها می گفتند: «بنونا بنوابعنا و بناتنا بنوهن ابنا الرجال الابعاد»، یعنی: فرزندان پسران ما فرزندان ما هستند ولی فرزندان دختران ما فرزندان مردانی هستند که با ما بیگانه اند و از ما دورند.

◆ ۱- قرآن کریم درباره این دشمن شماتت کننده و کینه توز یعنی عاص بن وائل پیش گویی می کند که او بلاعقب خواهد بود و بدون فرزند از دنیا می رود که چنین هم شد و این پیش گویی قرآن کریم محقق گردید و عاص بن وائل از تاریخ نزول این آیه عقیم شد و در هنگام مرگ فرزندی نداشت و آن فرزندی هم که به او نسبت داده شد (عمر بن عاص) در حقیقت فرزند او نبود و در نسب مطعون بود (طبرسی، ۱۰/۸۳۸) و فرزند واقعی او هشام بن العاصی از دختر هشام بن المغیره در جنگ یرموک بلاعقب کشته شد.

◆ ۲- نکته مهم این است که از پیش گویی درباره عاص بن وائل به روشنی استفاده می شود که به پیامبر اکرم (ص) خطاب می شود که تو ابتر نیستی بلکه دشمن بدگوی تو است که خودش ابتر است.

نتیجه سخن این که: با توجه به چهار نکته ای که از آیه سوم استفاده می شود آیه اول به خوبی روشن می گردد. معنای آیه چنین می شود: «ای رسول ما دشمن تو خودش ابتر است و تو ابتر نیستی بلکه ما به تو خیر کثیر عطا کرده ایم به گونه ای که نسل مبارک تو جهان را پر خواهد کرد. پس تنها معنا درباره کوثر که خود آیات سوره آن را روشن می سازد این است که کوثر به فراوانی نسل مربوط می شود و چون نسل پیامبر اکرم (ص) تنها از حضرت فاطمه زهرا (س) می باشد منظور از کوثر وجود مقدس حضرت صدیقه

۱۱۸-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
 طاهره (س) است که مستقیماً به پیامبر (ص) عطا شده است به خصوص با توجه به
 معنای کوثر که صیغه مبالغه از کثرت است و افاده شأنت یعنی چیزی که استعداد تکثر
 فراوان دارد.

پس سایر معانی که به آیه نسبت داده شده با متن آیات سازگاری ندارد مگر این که معانی
 مطرح شده در روایات را از باب تأویل منطبق بدانیم که البته معنای تأویل از ظاهر الفاظ
 خارج است و معنای دومی است که گاه روایات به آیه و یا عبارتی از قرآن نسبت
 می دهند و معنا چنین می شود که اضافه بر معنای ظاهری مستفاد از لفظ قرآن، خداوند
 اراده معنای دومی هم از این عبارت کرده است چنان که درباره آیه آخر سوره الملک
 می فرماید: «قل أرايتم ان اصبح مائکم غوراً فمن يأتکم بماء معين» (الملک، ۳۰)، یعنی:
 بگو (چه تصور می کنید؟) اگر آب محیط زندگی شما به زمین فرو رود (جز خدای
 رحمان) کیست که آبی گوارا برای شما پدید آورد؟

در روایات متعددی در ذیل این آیه آمده است که این آیه درباره امام زمان (ع) است.
 چنان که از امام محمد باقر (ع) نقل شده است: «هذه نزلت فی القائم يقول: ان اصبح
 امامکم غائباً عنکم لا تدرون اين هو فمن ياتيکم بامام ظاهر ياتيکم باخيار السموات و
 الارض و حلال الله و حرامه». (حویزی، ۳۸۷/۵)

این آیه درباره امام زمان (ع) نازل شده است و می فرماید: اگر امام شما از شما غائب
 گردد که ندانید کجاست؟ چه کسی امامی برایتان خواهد آورد که خبرهای آسمان و
 زمین و حلال و حرام خدا را برای شما بازگو کند؟ پس اضافه فرمودند: «والله ماجاء
 تاویل هذه الایه و لا یدان ان یجی تاویلها». (همان) به خدا قسم تاویل این آیه هنوز
 نیامده است و ناچاراً روزی تاویل آن خواهد آمد.

ملاحظه می فرمایید که معنای فوق از ظاهر عبارت حاصل نمی شود بلکه معنای دومی
 است که بر اساس این حدیث خدای رحمان آن را قصد کرده است و روشن است که
 معنایی این چنین را فقط امام معصوم می تواند بیان کند. در سوره کوثر نیز چنین آمده
 است با مقدماتی که بیان شد معنای ظاهر الفاظ این است که کوثر وجود مقدس

تعبیری از قرآن کریم درباره حضرت زهرا (سلام الله علیها)..... ۱۱۹-----
 حضرت زهرا (س) است که منشاء نسل فراوان رسول خدا(ص) است. و اگر معنای دیگری در روایات بیان شود باید به عنوان معنای تأویلی و یا مصادیق دیگری از کوثر تلقی گردد در حالی که معنایی که از متن قرآن بدون کمک گرفتن از هیچ توجیه و تأویل و حتی بدون استناد به روایات به روشنی حاصل می‌شود همین معناست که کوثری که به پیامبر اکرم (ص) عطا شده حضرت فاطمه زهرا (س) است.

دوم- «مشکوة»

در سوره مبارکه نور آیه ۳۵ قرآن کریم به معرفی امامان و اهل بیت و اولیاء اسلامی در قالب تمثیل و تشبیه می‌پردازد و هر کدام از آن بزرگواران را در حالت تشبیه به قسمتی از مجموعه نور الاهی معرفی می‌کند بحث از تمام این آیه فرصتی مناسب می‌طلبد که در این نوشتار مورد نظر نیست و در این جا تنها به بخشی از آیه که درباره حضرت زهرا (س) است می‌پردازیم.

«الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه...»
 (النور، ۳۵) یعنی: خدا نور آسمانها و زمین است. داستان نورش به چراغدانی می‌ماند که در آن چراغی باشد و آن چراغ در میان شیشه‌ای بلورین...

در حدیث چنین می‌خوانیم: «قال ابو عبدالله علیه السلام فی قول الله تعالی «الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکوة»: فاطمه علیها السلام فیها مصباح: الحسن و المصباح: الحسين (ع)». (مجلسی، ۳۰۴/۲۳؛ قمی ۱۰۲/۲)

امام صادق (ع) درباره عبارت قرآنی «خدا نور آسمانها و زمین است مثل نور او چون مشکات چراغدانی است» فرمودند: مشکات یعنی فاطمه (ع) و منظور از «فیها مصباح» امام حسن (ع) و از «المصباح» امام حسین (ع) می‌باشد در باره این آیه احادیث متعددی در تفاسیر روایی ذکر شده است که برخی از آنها کلمه «مشکات» را در مورد حضرت زهرا (س) دانسته‌اند؛ «مشکات» از ریشه شکو است که در لغت آن را به معنای روزنه بی نفوذ و کاسه قندیل و هر چیزی که در آن چراغ قرار می‌دهند دانسته‌اند. (المنجد) از

۱۲۰-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
تعبیر خود آیه شریفه نیز همین معنا به خوبی روشن می شود چون می فرماید مشکاتی
که در آن چراغی باشد.

به دنبال تعبیر «کوثر» که بر اساس آن، حضرت زهرا (س) منشاء نسل پیامبر اکرم (ص)
بوده اند تعبیر مشکات لطافت دیگری را بیان می دارد و آن این است که این وجود مقدس
چراغ دانی است که یازده چراغ امامت را در بر می گیرد و به تعبیر دیگر در نسل او به
دنیا پا می گذارند و امام اول، حضرت امیر المؤمنین (ع)، هم در کنار او قرار گرفتند و به
تعبیری همه امامان اهل بیت با اویند و به او وابستگی دارند.

تعبیر بسیار دیگری درباره وجود مقدس حضرت زهرا (س) در قرآن کریم است که
برخی اختصاصاً درباره آن حضرت آمده مانند تعبیر گذشته و برخی تعبیری درباره
معصومان از اهل بیت پیامبر اکرم (ص) می باشد که در این جا به لحاظ محدودیت از
توضیح آن ها خودداری می کنیم و تنها به اشاراتی اکتفا می نماییم.

سوم- تعبیر به «عبادالله»

در سوره مبارکه الدهر که می فرماید: «عیناً یشرّب بها عبادالله» (الدهر، ۶) با توجه به شأن
نزول این سوره که در مورد: امیر المؤمنین، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین (ع)
است، از توجه در آیات ۵ و ۶ نکته ای زیبا روشن می گردد در این آیات می فرماید: «ان
الابرار یشرّبون من کاس کان مزاجها کافوراً عیناً یشرّب بها عبادالله یفجرونها تفجیراً».
(الدهر، ۵ و ۶)، یعنی: نیکوکاران در بهشت از جامی می نوشند که آمیخته آن کافور
است. (کافور) چشمه ای است که «عباد الله» از آن می آشامند و آن را هر کجا بخواهند
جاری می سازند.

در این دو آیه از دو دسته سخن می گوید یک دسته ابرار و نیکان هستند که همان عموم
مؤمنان می باشند این ها به خود چشمه کافور مستقیماً دسترسی ندارند بلکه از جامی که
مقداری از این چشمه با آن مخلوط شده است می آشامند اما دسته دوم عبادالله هستند
که اصل چشمه در اختیار آنان است. تعبیر «عبادالله» برای اهل بیت پیامبر اکرم (ص)

تعبیری از قرآن کریم درباره حضرت زهرا (سلام الله علیها).....-----۱۲۱
تعبیری بسیار لطیف و همراه با عنایتی ویژه است همچنان که برای رسول (ص) پنج بار
تعبیر «عبده» ذکر شده است که ارتباط خاص آن حضرت را با ذات احدیت می‌رساند.
(الاسراء، ۱؛ الکهف، ۱؛ الفرقان، ۱؛ النجم، ۱۰، الحدید، ۹)

چهارم- اهل البیت

تعبیر به «اهل البیت» که دارای مقام طهارت‌اند در آیه ۳۳ سوره احزاب آمده و این نکته
اضافه گشته که اراده خدای رحمان بر آن است تا رجس را از شما خاندان دور سازد و
شما را به نهایت درجه پاک و مطهر گرداند.

می‌دانیم که براساس روایات فریقین حضرت زهرا (س) در زمرة اهل بیت (ع) و بلکه به
یک معنا محور اهل بیت هستند؛ پس در مقام طهارت مطلق قرار دارند. قابل توجه است
که در سوره الواقعة می‌فرماید: «انه لقران کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا مطهرون»
(الواقعه، ۷۷-۷۹)، یعنی: به درستی که آن قرآنی است بسیار گرانبه و کریم، در کتابی
مکنون و سرپوشیده (یعنی لوح محفوظ) که جز مطهرون کسی را بدان دسترسی نباشد.
با این نگاه باید این اولیاء الله و چهره نورمقدس را تنها کسانی بدانیم که با نسخه اصلی
قرآن در لوح محفوظ می‌توانند تماس برقرار کنند و حضرت زهرا (س) از آنان است.

پنجم- ذوی القربی

تعبیر به ذوی القربی درباره اهل بیت که حضرت زهرا (س) نیز محور آن است. در آیه ۲۳
سوره الشوری آمده است. براساس این آیه تنها اجری که برای رسالت رسول اکرم (ص)
از امت اسلامی در قرآن کریم خواسته شده، مودت به ذوی القربای رسول خدا (ص) است.
قابل توجه است که همین ذوی القربای مطهر رسول خدا (ص) هستند که در سال نهم
هجرت برای مباحله انتخاب شدند و تنها کسانی بودند که پیامبر اکرم (ص) آنان را به
صحنه راز و نیاز با خدای سبحان بردند. پس در میان امت اسلامی حضرت زهرا (س)
تنها بانویی بودند که در این مرحله از قداست قرار داشتند که برای این امر انتخاب

۱۲۲-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
شدند و اگر فرد دیگری در این رتبه بود می‌بایست رسول خدا (ص) او را به صحنه
می‌بردند زیرا عبارت «نساءنا» جمع است و اگر افرادی شایسته وجود می‌داشتند باید به
این دستور جمع عمل می‌شد. تعابیر و توصیفات دیگری نیز برای این وجود مقدس در
قرآن کریم آمده است که تفضیل آن از حوصله این مقاله بیرون است.

نتیجه مقاله

در قرآن کریم تعابیر ویژه‌ای برای حضرت فاطمه زهرا (س) به کار رفته است که بر
عظمت و جلالت و مقام عصمت آن حضرت دلالت دارد و این تعابیر بدون تصریح به
نام آن وجود مقدس است که به دلایلی قرآن کریم از این تصریح در مورد اهل بیت
پیامبر اکرم (ص) خودداری فرموده است.
تعابیری چون: کوثر، مشکات، اهل بیت، عبادالله، ذوی القربی را می‌توان در توصیف
قرآنی خداوند از حضرت زهرا (سلام الله علیها) برشمرد.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن منظور، لسان العرب دارالحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- ۳- حویزی، عبدعلی بن الووسی، تفسیر نورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۴- رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ.ق.
- ۵- راغب الاصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ قرآن، تحقیق: ندیم مرعشی، دارالکتب العربی، بی‌تا.
- ۶- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۷- شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۸- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ هـ.ش.

- تعییری از قرآن کریم درباره حضرت زهرا (سلام الله علیها)..... ۱۲۳
- ۹- طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارت فراهانی، ۱۳۶۰ هـ.ش.
 - ۱۰- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳ هـ.ش.
 - ۱۱- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر القمی، قم، دارالکتب، ۱۳۷۶ هـ.ش.
 - ۱۲- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدررالخبار الائمه الاطهار بیروت، الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
 - ۱۳- مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ هـ.ش.
 - ۱۴- موحد ابطحی اصفهانی، جامع الاخبار و الآثار عن النبی و الائمه الاطهار، بی تا.